

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
A Morphological-Historical Study on The Initial Core of the Razavi Holy
Shrine Complex, with a Focus on Narrative Documents and in Comparison
with the Architectural Design of the Sassanid and Early Islamic Palaces
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

مقاله پژوهشی

بررسی شکلی-تاریخی هسته اولیه کالبد معماری حرم مطهر رضوی با تکیه بر اسناد روایی و در تطابق با طرح‌های معماری کاخ‌های ساسانی و صدر اسلام*

علی عبداللهی^۱، نوید جلائیان قانع^۲، آرمین مودی^{۳*}، سجاد آئینی^۴

۱. کارشناس ارشد معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)، مشهد، ایران.
۲. دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران.
۳. کارشناس ارشد معماری اسلامی، دانشگاه بین‌المللی امام‌رضا (ع)، مشهد، ایران.
۴. دانشجوی دکتری معماری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران.

تاریخ انتشار: ۹۹/۱۲/۰۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۰۷/۰۶

تاریخ دریافت: ۹۸/۱۰/۱۸

چکیده

بیان مسئله: مجموعه حرم مطهر رضوی یکی از مهم‌ترین بناهای موجود در ایران است که از دو منظر آئینی و کالبدی اهمیت بسیار زیادی دارد. با این حال هنوز مطالعه چندانی درباره ساختار اولیه فضایی بنای نخستین و فرایند گسترش کالبدی آن صورت نگرفته است. از این رو مطالعه و بررسی ساختار اولیه و نخستین مراحل تشکیل‌دهنده مجموعه حرم به درک ساختار فعلی آن کمک زیادی خواهد کرد. **هدف پژوهش:** در این پژوهش تلاش می‌شود تا ردپای بنای اولیه در وضعیت فعلی مجموعه حرم در اطراف بقعه مورد جست‌وجو قرار گیرد و سپس الگوی فضایی آن شناسایی شود.

روش پژوهش: این مقاله با رویکردی «تفسیری-تاریخی» ساختار اولیه فضایی حرم در اطراف بقعه را بررسی خواهد کرد. از این رو ابتدا این فرضیه طرح شد که «ساختار فضایی بنای اولیه مدفن حضرت رضا (ع)، که گسترده‌تر از بقعه‌ای ساده (تک‌بنا) بوده است، از الگوهای شکلی و فضایی دوران ساسانی پیروی کرده است». سپس این فرضیه با اتکا بر متون تاریخی مورد بررسی قرار گرفت و در ادامه از طریق بررسی‌های شکلی، ردپای بنای اصلی در اطراف بقعه جست‌وجو شد و الگوی پیداشده با تعدادی از کاخ‌های ساسانی و صدر اسلام مقایسه شد. در انتها این سه دسته از اطلاعات با یکدیگر تطبیق داده شده‌اند.

نتیجه‌گیری: اطلاعات به‌دست‌آمده نشان داد که محتمل است ساختار بنای اولیه حرم مطهر رضوی، که ریشه در کاخ «حَمید بن قحطبه» دارد، از ساختار معماری کاخ‌های ساسانی پیروی کرده باشد و نیز هندسه چلیپایی شکل (دارالسیاده) در کنار فضای ایوانی شکل (دارالحفاظ) مشابهت زیادی با الگوی فضایی کاخ‌های ساسانی دارد.

واژگان کلیدی: ساختار اولیه حرم رضوی، حَمید بن قحطبه، معماری ساسانی، معماری صدر اسلام، حرم مطهر رضوی.

سال ۱۳۹۷ به‌انجام رسیده است.
* نویسنده مسئول: ۰۹۱۵۳۲۴۱۸۷۶، Arminmoodi@gmail.com

* این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی مصوب در پژوهشکده نوین شهر معنوی
ثامن با عنوان «پژوهش در متون و ادوار تاریخی و بازآفرینی آثار» است که در

صدری‌کیا (۱۳۹۴) در مقاله «اصول توسعه کالبدی حرم مطهر رضوی» مطالعات خود را بر قرن نهم هجری متمرکز

مقدمه

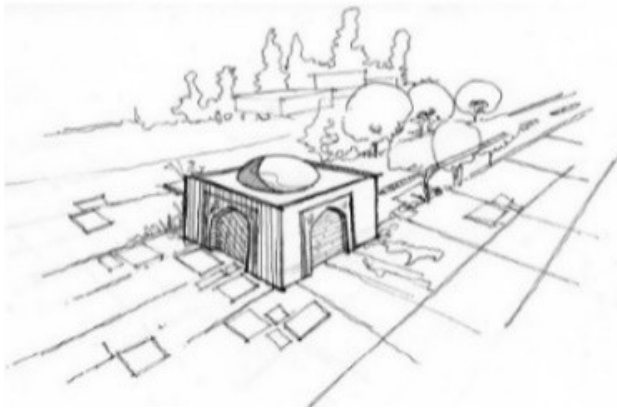
مطالعه نحوه شکل‌گیری و توسعه مشهد، فارغ از تأثیراتی که قرارگیری آرامگاه شریف حضرت رضا (ع) در قرن سوم داشته است، ممکن نیست. این آرامگاه یکی از مهم‌ترین عوامل توسعه در طول تاریخ بوده است که تأثیر منحصر به فردی بر کمیت و کیفیت توسعه فیزیکی شهر مشهد گذاشت. از این رو نمی‌توان تأثیر آن را بر محیط و پیرامون خود نادیده انگاشت. علاوه بر آن، دفن حضرت رضا (ع) در باغ «حمید بن قحطبه»، که مقری حکومتی در خراسان بزرگ بود، به شکل‌گیری یکی از بزرگ‌ترین مجموعه‌های تاریخی ایران منجر شده است. بنابراین شناخت هرچه بیشتر تغییرات صورت گرفته در این مجموعه از اهمیت زیادی برای شهر مشهد برخوردار است. تقریباً اطلاعات تاریخی در مورد مبدأ و تاریخ شکل‌گیری هسته اولیه حرم موجود نیست و نظریات مختلفی در باب زمان شکل‌گیری آن ارائه شده است. با توجه به آنکه برخی از ساختارهای متأخرتر حرم دارای کتیبه یا وقف‌نامه هستند و در متون تاریخی مختلف به آنها اشاره شده است، می‌توان برای آنها تاریخ نسبتاً دقیقی را ذکر کرد. از این رو پژوهش حاضر سعی دارد تا با مطالعه اسناد مکتوب تاریخی و مقابله آنها با اصول و اسناد تاریخی معماری، فهمی روشن‌تر از ساختار بنا در قرون اولیه ارائه کند.

فرضیه پژوهش

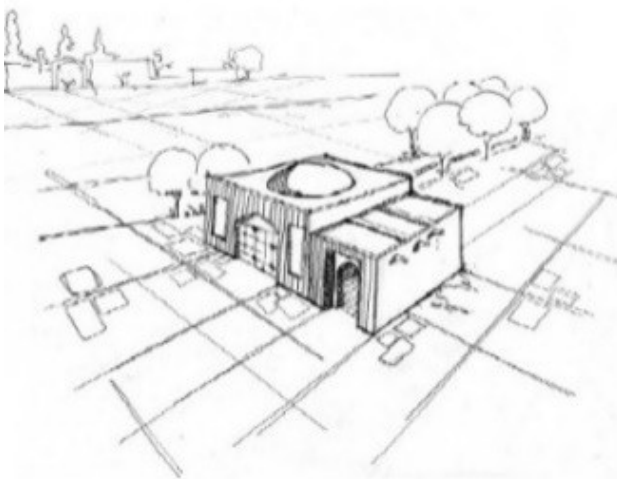
ساختار فضایی بنای اولیه مدفن حضرت رضا (ع)، که گسترده‌تر از بقعه‌ای ساده (تک بنا) بوده است، از الگوهای شکلی و فضایی دوران ساسانی پیروی کرده است.

پیشینه پژوهش

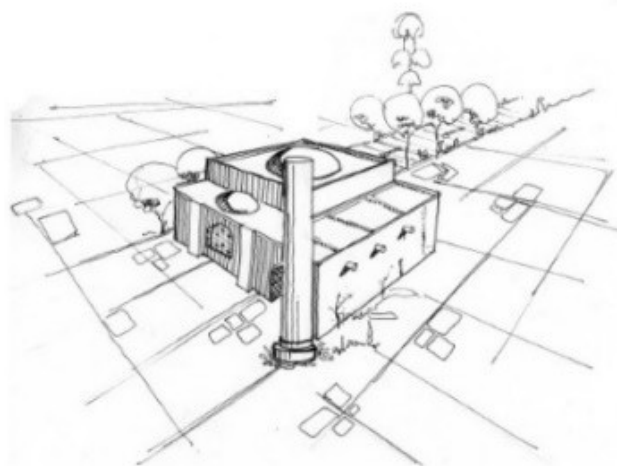
تعدادی از پژوهش‌ها تلاش کرده‌اند چگونگی پیدایش، رشد و تکامل حرم و جایگاه آن را در شکل‌گیری شهر مشهد تبیین کنند. صدری‌کیا و بمانیان (۱۳۹۴) با مرور متون تاریخی، پیدایش و تکامل کالبدی حرم را از پیدایش اولیه تا قرن پنجم بررسی کرده‌اند و بیان می‌کنند که نخستین بنا به صورت بقعه‌ای ساده بوده است که تا قرن پنجم هجری به آن مسجد بالاسر و رواق شمالی متصل به مسجد و بقعه اضافه شده است. همچنین آنها اشاره می‌کنند که «ابن‌اثیر» تنها کسی است که از تخریب حرم به دستور «امیر سبکتکین» یاد کرده است و بیان می‌کنند که افراد هم‌دوره او، همانند «بیهقی» از تخریب حرم به دستور سبکتکین یاد نمی‌کنند. از این رو آنها استدلال می‌کنند که احتمالاً تخریب‌های صورت گرفته در اوایل قرن پنجم هجری اندک بوده است. آنها در انتها بازنمایی از وضعیت حرم تا قرن پنجم هجری ارائه می‌دهند (تصویر ۱).



الف



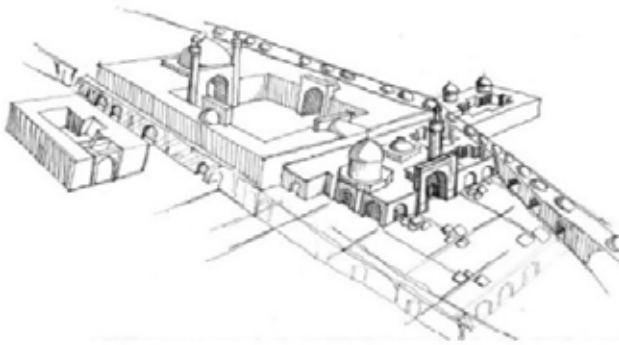
ب



ج

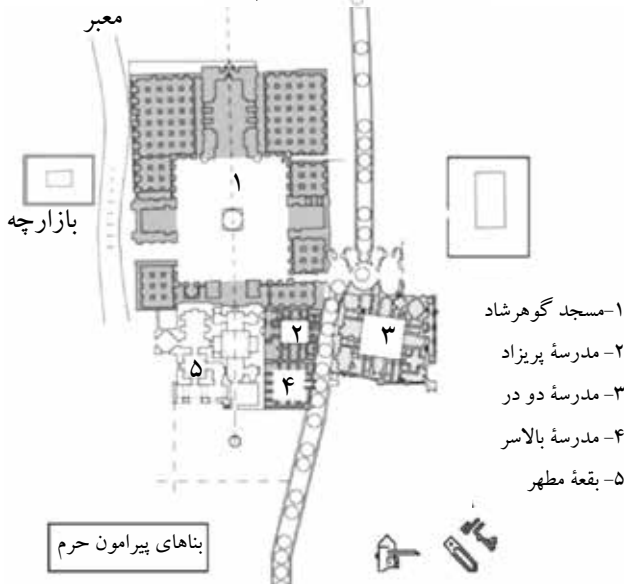
تصویر ۱. الف) بازنمایی حرم در قرن سوم. ب) بازنمایی حرم در قرن چهارم. ج) بازنمایی حرم در قرن پنجم. مأخذ: صدری‌کیا و بمانیان، ۱۳۹۴، ۱۴.

و تاریخ شکل‌گیری آن هنوز در حاله‌ای از ابهام قرار دارد. هدف از انجام پژوهش حاضر، تلاش برای رفع بخشی از این خلأ شناختی است. از این رو پژوهش دارای ماهیتی



الف

محور بازار در مجاورت حرم

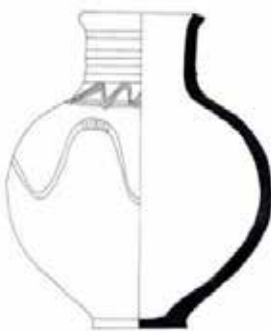


- ۱- مسجد گوهرشاد
- ۲- مدرسه پریزاد
- ۳- مدرسه دو در
- ۴- مدرسه بالاسر
- ۵- بقعه مطهر

بناهای پیرامون حرم

ب

تصویر ۲. الف و ب) بازنمایی تصویری ساختار کالبدی حرم رضوی تا اواخر قرن نهم ه.ق. . مأخذ: صدیقی، ۱۳۹۴، ۵۹.



تصویر ۳. سفالینه کشف‌شده در حرم مطهر رضوی از صحن آزادی. مأخذ: حبیبی، ۱۳۸۷.

می‌کند، زیرا این دوران را سرآغاز توسعه عظیم حرم می‌دانند. او بیان می‌کند که تا قبل از این دوره تغییرات عمده در اطراف حرم اندک بوده و توسط شیعیان و دوستداران امام رضا (ع) صورت گرفته است. او با استناد به متون مختلف بیان می‌کند که مکان بقعه اصلی، در زمان پیدایش، شکوه و عظمت خاصی نداشته است و کالبد موجود بنایی ساده و بی‌پیرایه با گنبدی کوتاه بوده است. او در ادامه، روند توسعه در قرن نهم را شرح می‌دهد و در انتها بازنمایی از وضعیت حرم در این دوران ارائه می‌دهد (تصویر ۲).

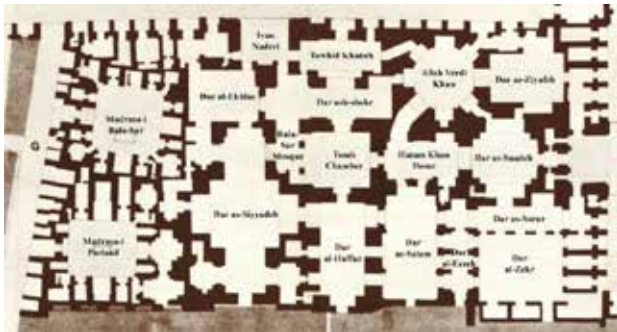
زارعی، هاشمی زرج‌آباد و مسعودی (۱۳۹۵) با مرور اسناد تاریخی، روند رشد و گسترش شهر مشهد از زمان دفن حضرت در سناباد تا اواخر دوره قاجاریه را با تأکید بر حرم مورد بررسی قرار می‌دهند. آنها استدلال می‌کنند که شکل‌گیری، رشد و توسعه شهر مشهد وابسته به حرم بوده است.

همچنین بررسی‌های باستان‌شناسی در اطراف حرم صورت گرفته است. لباف خانیکی (۱۳۹۳، ۲۸۰-۳۰۸) در کتاب «جایگاه سفال‌های آستان قدس رضوی در سفالگری ایران» اشاره می‌کند که در سال ۱۳۷۰ در زمان اجرای طرح نوسازی حرم، به‌منظور ایجاد زیرگذر پیرامون آن، خاکبرداری‌های گسترده‌ای صورت گرفته است که فرصت مناسبی را برای عملیات باستان‌شناسانه فراهم کرده است. از این رو مطالعات میدانی به سه شیوه ایجاد دیوار برش، گمانه‌زنی و جمع‌آوری بررسی مواد فرهنگی دنبال شد. او در ادامه شرح می‌دهد که سه برش در سمت شرق حرم بر روی دیواره شرقی کانال ایجاد شد. همچنین او اشاره می‌کند که ۸ گمانه در نقاط مختلف حرم خاکبرداری شد. کهن‌ترین لایه‌های تمدنی در گمانه‌ای پیدا شد که در زیر کف صحن آزادی و سمت غربی صحن مجاور ایوان منتهی به حرم (ایوان طلا یا ایوان نادری) ایجاد شده است. در این بین بقایای معماری و بناهایی مشتمل بر دیوارهای خشت و گلی و کف‌های آجری با لایه‌های ضخیمی از اندود گچ پیدا شد که تاریخ یافته‌های مذکور را می‌توان به اوایل اسلام منسوب دانست. او در ادامه بیان می‌کند که آثار پیش از اسلام در این ناحیه پیدا نشده است. حبیبی (۱۳۸۷) اشاره می‌کند که طی بررسی‌های باستان‌شناسانه و حفر کانال که در صحن آزادی صورت گرفته است، تعدادی سفال از جمله کوزه سفالی جمع‌آوری و مطالعه شده است که کاوشگران با توجه به نوع و سبک کار، آنها را مربوط به تاریخ قبل از اسلام دانسته‌اند (تصویر ۳).

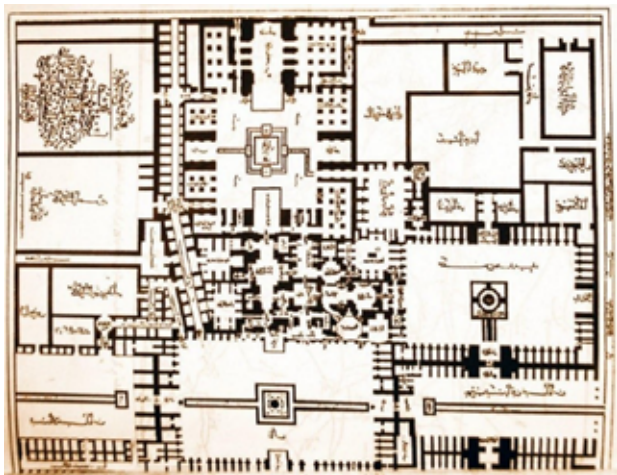
روش تحقیق

شناخت ساختار اولیه بنای نخستین مدفن حضرت رضا (ع)

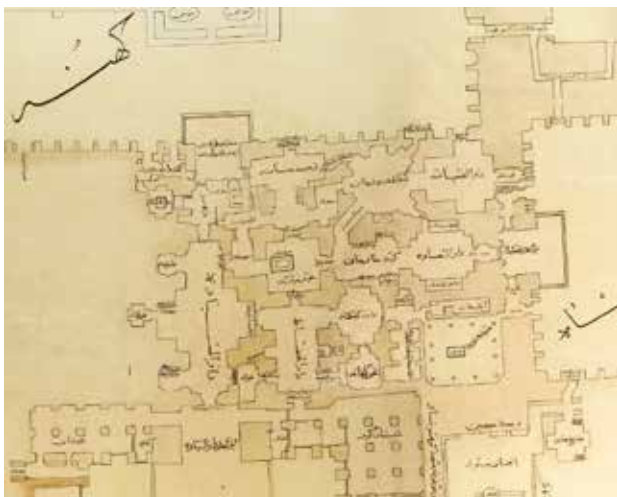
- عدم اجازه استفاده از روش‌های مرسوم در باستان‌شناسی در هسته اولیه حرم رضوی.



الف



ب



ج

تصویر ۴. الف) نقشه حرم مطهر رضوی تهیه‌شده در دوره پهلوی دوم توسط بیژن سعادت. مأخذ: Saadat, 1976. ب) نقشه ارائه‌شده توسط پیرنیا مأخذ: پیرنیا، ۱۳۹۰، ۲۴۳. ج) بخشی از نقشه حرم مطهر رضوی تهیه‌شده توسط عبدالرزاق بغایری، برگرفته از آرشیو مرکز اسناد حرم مطهر رضوی. مأخذ: بغایری، ۱۳۴۲. ق.

تاریخی است. برای این منظور در اولین گام با مطالعه متون تاریخی از جمله اسناد تاریخی، سفرنامه‌ها و ... اطلاعات مختلفی جمع‌آوری شد تا برای شکل‌گیری فرضیه و انطباق با وضع موجود و دوره‌بندی بخش‌های مختلف تاریخی مجموعه حرم مورد استفاده قرار گیرد تا تفسیر دقیق‌تری از وضع موجود بنا به‌دست آید. این منابع در دو دسته کلی قرار می‌گیرند:

الف) منابع دسته اولی که هم‌زمان با دوره تحول تاریخی مورد نظر نوشته شده‌اند و حوادث و رویدادهای مهم زمان را به‌تصویر کشیده‌اند؛

ب) پژوهش‌های ثانویه که توسط مورخان و پژوهشگران متأخر و معاصر صورت گرفته است.

در گام دوم تلاش شد تا فرضیه مورد واکاوی و ارزیابی قرار گیرد. از این رو انتظار می‌رود در اطراف بقعه بتوان نظم ساختاری پیدا کرد که معرف ویژگی‌های معماری پیش از اسلام باشد.

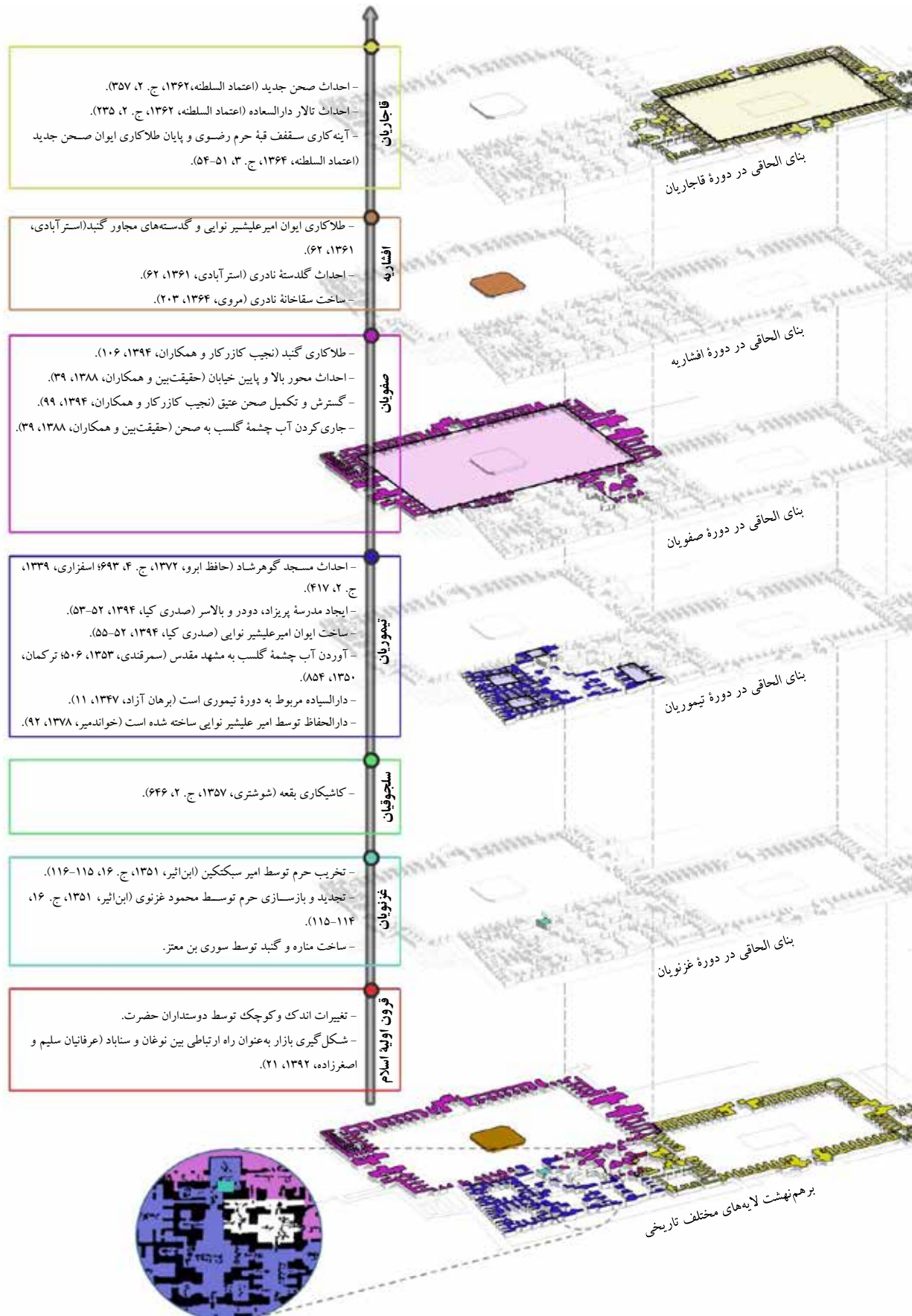
بنابراین در مرحله اول، نظم ساختاری جست‌وجو شد. برای این منظور از نقشه‌های مختلفی از جمله نقشه تهیه‌شده توسط بیژن سعادت در دوره پهلوی دوم (Saadat, 1976)، نقشه تهیه‌شده توسط عبدالرزاق بغایری (۱۳۴۲ ق.ه) و نقشه ارائه‌شده توسط پیرنیا (۱۳۹۰) بهره برده شد (تصویر ۴).

سپس برای آنکه نظم یافت‌شده برای پژوهشگران قابل درک شود، به بررسی تطبیقی کاخ‌های ساسانی و صدر اسلام با الگوی یافت‌شده پرداخته شد. یافته‌های این بخش با دوره‌بندی بخش‌های مختلف تاریخی مجموعه حرم (تصویر ۵)، مورد مقایسه قرار گرفت تا اطلاعات به‌دست‌آمده مورد ارزیابی بیشتری قرار گیرد، سپس تعارضات به‌دست‌آمده مورد بحث قرار گرفت.

همچنین این مقاله با محدودیت‌هایی همراه بوده است که می‌توان آنها را در دو دسته عام و خاص تقسیم‌بندی کرد: الف) محدودیت‌های خاص:

- کمبود اطلاعات تاریخی از بنای نخستین حرم رضوی (توصیف چندانی از کاخ حمید بن قحطبه وجود ندارد)؛
- نوشتارها اغلب توصیفی از بنا در قرون نخستین اسلامی ارائه نکرده‌اند، بلکه بیشتر راویان بر رخداد‌های پیرامون ویژگی‌های شخصیتی حضرت رضا (ع) و نحوه شهادت ایشان تمرکز کرده‌اند؛

- مهم‌ترین محدودیت این مقاله امکان‌پذیر نبودن مشاهده تجربی از بنای اولیه بود. همچنین در دوره‌های مختلف، بخش‌های مختلف بنا در زیر تریینات دوره‌های بعد مخفی شده‌اند. از این رو میزان دسترسی به بنای اولیه بسیار محدود است؛



تصویر ۵. سیر تحولات حرم تا دوره پهلوی (زمان ساخت بخش گنبدخانه براساس متون مشخص نیست). مأخذ: نگارندگان براساس منابع ذکرشده در تصویر.

(ب) محدودیت‌های عام:

- تخریب‌های حاصل از تاخت‌وتازهای مختلف تاریخی؛
- تغییر مداوم واژگان و ساختار زبان در طول اعصار و دشواری‌های کشف قرینه‌ها برای آنها در پاره‌ای موارد؛
- متأثر بودن راویان از پدیده‌های تاریخی؛
- از بین رفتن برخی منابع بعد از حمله‌های مهم تاریخی مانند حمله مغول و ...

این محدودیت‌ها در هنگام انجام تحقیق موجب شد تا نگارندگان برای ارزیابی و تطبیق‌سازی اطلاعات با داده‌های موجود، از طریق روش استدلال منطقی نتیجه حاصل کنند. در انتها باید تأکید کرد که این دو بخش مقاله (بررسی متنی و بررسی شکلی) از یکدیگر جدا نیستند، بلکه درهم‌تنیده و لازم و ملزوم یکدیگرند.

سابقه تاریخی بستر و کالبد حرم مطهر رضوی

بیان تحولات کالبدی رخ داده در حرم از صدر اسلام تا دوران معاصر از حوصله این نوشتار خارج است، اما به‌ضرورت، نکاتی مختصر و مهم از تغییرات صورت گرفته در **تصویر ۵** شرح داده خواهد شد. از این رو بدون ارزیابی پیچیدگی‌ها، روایتی نسبتاً عادی و اجمالی از موضوع ارائه شده است. هدف از این تصویر ارائه یک دید کلی نسبت به تحولات کالبدی رخ داده در حرم مطهر رضوی از زمان دفن حضرت رضا (ع) تا دوره پهلوی است. همچنین اطلاعات **تصویر ۵** برای پیدا کردن هسته اولیه حرم مطهر رضوی مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

در ادامه زمینه‌های سازنده و شکل‌دهنده به کالبد حرم مطهر رضوی بررسی خواهد شد. این بررسی در دو قالب «بررسی متون تاریخی درباره سابقه تاریخی سناباد» و «بررسی متون تاریخی درباره ساختار بنای اولیه حرم مطهر رضوی» صورت خواهد گرفت تا اطلاعاتی درباره زمینه‌های بحث فراهم شود و در پی آن، مبنای شکل‌گیری فرضیات مشخص شود.

• بررسی متون تاریخی درباره سابقه تاریخی سناباد

مأمون در سال ۲۰۱ ه.ق. حضرت علی بن موسی الرضا (ع) را از مدینه به خراسان آورد. زمانی که حضرت به طوس رسید مأمون با خوراندن سم او را در سال ۲۰۳ ه.ق. به‌شهادت رساند. مأمون حضرت را در روستای سناباد دفن کرد.

بیشتر سفرنامه‌ها و منابع تاریخی تا قرن چهارم هجری منطقه‌ای را که حضرت رضا (ع) در آن دفن شده‌اند طوس می‌نامیدند. برای مثال احمد بن اسحاق یعقوبی (۱۳۴۳، ۵۳) در کتاب «البلدان» نگاشته در قرن سوم هجری اشاره می‌کند: «در طوس قومی از عرب از طی و جز آنان سکونت دارند و بیشتر اهالی

آن عجم‌اند و قبر رشید امیرالمؤمنین آنجاست» و یا ابن حوقل (۱۳۶۶، ۱۶۳ و ۱۶۹) در «صورة الارض» در قرن چهارم هجری بیان می‌کند: «شهرهای نیشابور و مرو و بلخ و هرات بزرگ‌ترین نواحی خراسان هستند و [...] در خراسان و ماوراءالنهر ولایاتی کوچک‌تر و کم‌اهمیت‌تر از اینها نیز هست، از جمله آنها قهستان، طوس، نساء [...] و اگر طوس نیز در مجموع نیشابور باشد، شهرهای آن عبارت از رایکان، طبران، نوقان است. قبر علی بن موسی الرضا (ع) در بیرون شهر نوقان است و در مجاورت آن قبر رشید در مقبره‌ای زیبا در قریه‌ای به نام سناباد است که حصنی استوار دارد و گروهی در آن معتقداند». همچنین ابو عبدالله محمد بن احمد مقدسی (۱۳۶۱، ۴۸۸) در قرن چهارم هجری در کتاب «حسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم» بیان می‌کند: «قبر علی الرضا در طوس است و دژی برای آن ساخته شده که خانه‌ها و بازار دارد. عمیدالدوله فائق نیز مسجدی برایش ساخت که در همه خراسان به از آن نیست». اولین بار اسم مشهد در متون معتبر تاریخی در قرن چهارم هجری در نوشته‌های اصطخری (۱۳۶۸، ۲۰۳)، ابن بابویه (۱۳۶۲، ۱۳۶-۱۳۷) و مقدسی (۱۳۶۱، ۱۵۵) به‌کار رفته است. همچنین برخی از پژوهشگران ذکر می‌کنند که تاریخ مشهد تا قرن نهم هجری با تاریخ طوس درهم‌تنیده است و پیوندی ناگسستنی دارد (نجیب کازرکار، **علیزاده و صرمی**، ۱۳۹۳، ۱۰۶؛ **قصابیان**، ۱۳۷۷، ۶-۷).

علاوه بر سفرنامه‌ها و منابع تاریخی، می‌توان به برخی از روایات نیز اشاره کرد که سناباد را از توابع طوس معرفی می‌کنند. برای مثال مجلسی (۱۳۵۵، ۲۸۹) از امام صادق (ع) نقل می‌کند که چهار سرزمین به خدا در ایام طوفان نوح از مستولی شدن آب بر آنها شکایت کردند. خداوند بر آنها رحم کرد و آنها را از غرق شدن نجات داد. این چهار سرزمین عبارت است از بیت المعمور، نجف، کربلا و طوس. سپس از «وافی» نقل قول می‌کند: «این چهار سرزمین پیش خدا ناله کردند. علت ناله آنها این بود که کسی در آن سرزمین وجود نداشت که خدا را بپرستد. به همین جهت آنها را محل دفن اولیای خود قرار داد. اولین محلی که در این سرزمین بنا شد سناباد بود که آن را «اسکندر ذوالقرنین»، سازنده سد، ساخت و آباد بود تا زمان ساختمان طوس».

اینکه بیشتر راویان سناباد را طوس می‌نامند می‌تواند نشان‌دهنده گستردگی محدوده جغرافیایی و فرهنگی خاص طوس باشد که نشئت گرفته از پیشینه تاریخی آن است و ریشه در دوران قبل از اسلام دارد. به لحاظ تاریخی تا دوره ساسانی نام طوس به‌صورت نام مکان، مشخصاً در متون و منابع نیامده است (**جهان‌پور**، ۱۳۸۵، ۲) و صرفاً پژوهشگران

• بررسی متون تاریخی درباره ساختار بنای اولیه حرم مطهر رضوی

شاید با توجه به اهمیت شخصیت حضرت رضا (ع) دور از انتظار نباشد که بیشتر متون معتبر تاریخی حول موضوع ویژگی‌های شخصیتی و نحوه شهادت ایشان تنظیم شده باشند تا اطلاعاتی مبنی بر کیفیت بنای بارگاه و مزار ایشان. بیشتر آنچه دلالت بر بنا و کیفیت آن دارد، ناظر بر دوره‌های پسین است. در نتیجه کمتر اطلاعاتی از هسته کالبدی اولیه مدفن حضرت رضا (ع) می‌توان یافت.

با وجود آنکه اطلاعات اندکی درباره بنایی که حضرت در آن دفن شده وجود دارد، دو روایت کلی درباره آن طرح شده است. در روایت اول بیان شده است که حضرت در کاخ فردی به نام حمید بن قحطبه دفن شده‌اند (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۱۷).

در روایتی دیگر، ساخت کاخ را مربوط به اواخر قرن دوم و اوایل قرن سوم هجری می‌دانند (همان). شاید دلیل ذکر این روایت را بتوان بدین صورت توضیح داد که مأمون پس از فوت پدرش مدتی را در مرو سپری کرد و تلاش کرد که مزار او را آباد کند و توجه ویژه‌ای به این مزار مبذول داشت، در حالی که روایات و نقل‌قول‌هایی از حضرت رضا (ع) وجود دارد که پس از رسیدن حضرت به سناباد ایشان به کاخ حمید بن قحطبه طایبی وارد شدند و در آنجا فرمودند: «من در این موضع مدفون شوم و به‌زودی حق تعالی این موضع را محل تردد شیعه و اهل محبت من قرار دهد...» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ۳۷۷). همچنین مجلسی (۱۳۵۵، ۲۹۱) بیان می‌کند: «بالاخره سناباد ده کوچکی در طوس بوده که حمید بن قحطبه در آن خانه و باغی داشته، پس از فوت هارون الرشید او را در خانه حمید دفن کرده‌اند و مأمون بر فراز قبر پدرش قبه‌ای ساخته وقتی حضرت رضا (ع) شهید شد، کنار هارون آن جناب را دفن کردند در همان قبه‌ای که مأمون ساخته بود.»

با توجه به دو روایت ذکرشده، می‌توان بیان کرد که روایت اول محتمل‌تر است و می‌توان این احتمال را در نظر گرفت که مأمون به بنای نخستین اضافاتی را بنا کرده باشد.

پیرامون مکانی که تحت عنوان کاخ قحطبه در تاریخ ذکرشده است می‌توان دو فرضیه اساسی را دنبال کرد:

– اولین فرضیه مبتنی بر این است که کاخ حمید بن قحطبه، پیش از آنکه او در مقام والی در خراسان استقرار یابد، وجود داشته است.

– درمورد فرضیه اول، محمدکاظم امام (۱۳۴۸، ۱۷) ادعا می‌کند که در اواسط سده دوم هجری، سناباد دارالحکومه طوس بوده و کاخی باشکوه به سبک عمارت‌های اشرافی عهد ساسانی در باغ حکومتی سناباد وجود داشته

از طریق تحلیل نام طوس و اسطوره‌ها ریشه‌های این شهر را به دوران هخامنشی می‌رسانند. ایرج افشار سیستانی (۱۳۷۸، ۳۲۹) با اشاره به «بندھشن» اشاره می‌کند که از طوس با نام «طوسا» یادشده است، او در ادامه توضیح می‌دهد که در کتاب «وندیداد» آمده است که اهورامزدا اراضی شانزده‌گانه را آفرید و یکی از آنها «اورو» بود. این واژه را اوستاشناسان با شهر طوس یکی دانسته‌اند.

مقدسی (۱۳۷۴، ۶۱۶) در کتاب «آفرینش و تاریخ» در قرن چهارم هجری اشاره می‌کند: «گویند جمشاد همدان را در سرزمین جبل ساخت و اصطخر را در سرزمین فارس و مذار را در سرزمین بابل و طوس را در سرزمین خراسان». اعتماد السلطنه (۱۳۶۲، ۱۸۷) با اشاره به قول حمدالله مستوفی در «تزهت القلوب» بیان می‌کند: «طوس از اقلیم چهارم است و جمشید پیشدادی آن را ساخته بعد از خرابی طوس، نوذر تجدید عمارتش کرد و به نام خود منسوب گردانید». خلوصی‌راد (۱۳۶۸، ۱۳۷) اشاره می‌کند که شهر طوس حتماً در دوران ساسانی وجود داشته است و در ادامه ذکر می‌کند که با توجه به تاریخ اسطوره‌ای، این شهر توسط «جمشید پیشدادی» ساخته شده است.

مشخصاً به نام شهر طوس در دوران ساسانی در ذکر حوادثی اشاره شده است. جهان‌پور (۱۳۸۵، ۳) براساس «شاهنامه» محل وقوع مرگ یزدگرد اول ساسانی را در شهر طوس، در کنار چشمه سو، ذکر می‌کند. همچنین در کتاب «گزیده‌های زادسپرم» آمده است محل آتشکده «آذرسودی مهر»، که به‌نظر می‌رسد با آتشکده «آذربرزین مهر» یکی باشد، در طوس واقع است (زادسپرم، ۱۳۶۶، ۱۱). همچنین «ابومنصور معمری» در «شاهنامه ابومنصوری» نسب خود را به کنارنگیان طوس می‌رساند (دهقانی، ۱۳۹۴). پیگولوسکایا (۱۳۶۷، ۱۶۰) با اشاره به نوشته تاریخی «شهرستان‌های ایران» که مربوط به اواخر دوره ساسانی است، بیان می‌کند که ایرانشهر به چهار بخش در چهار جهت شمالی، جنوبی، شرقی و غربی تقسیم می‌شود و طوس به همراه سمرقند، خوارزم، مرو، بلخ و ... جزء شهرستان‌های شرقی ایران است. همچنین در انتها می‌توان به حدیث لوح از پیامبر اشاره کرد: حضرت رضا (ع) در محلی دفن خواهند شد که توسط یکی از بندگان صالح خداوند ساخته شده است. مفسران در تفسیر «بنده صالح» ذکر می‌کنند که منظور «ذوالقرنین» پیامبر است (ابن ابی زینب، ۱۳۷۶، ۹۶)؛

از مطالب فوق می‌توان نتیجه گرفت طوس قدمت تاریخی پیش از اسلام دارد و فرهنگی غنی در آن وجود داشته است که پس از ورود اسلام نیز همچنان اثرگذار بوده است، زیرا که تا قرن چهارم هجری هنوز سناباد از توابع طوس نامیده می‌شده است.

به قصد تسخیر چین از یمن حرکت کرده و در این محل اقامت کرده و این کوشک را در اینجا بنا فرموده که حرم و اخیر ذخایر خود را در آن گذارد و خود جریده و سبکبار برود و رودخانه‌ای در اینجا جاری کرده که مجرای آن هنوز هست ...» (همان).

با توجه به نکات ذکر شده می‌توان این‌گونه برداشت کرد که ویژگی‌های ساختاری و ظاهری بنای اولیه با توجه به سخنان ابودلف خزرچی بسیار گسترده و متکثر بوده است و با توجه به سخنان حضرت رضا (ع) که فرمودند: «من در این موضع مدفون شوم» معماری بنای نخستین به قبل از آمدن حضرت رضا (ع) به شهر طوس برمی‌گردد.

بحث درباره فرضیه

در این بخش از مقاله به صورت گام‌به‌گام فرضیه طرح شده بررسی خواهد شد تا شرح منطقی از بحث درباره آن فراهم شود.

همانطور که مطرح شد ساختار فضایی بنای اولیه مدفون حضرت رضا (ع) از الگوهای شکلی و فضایی دوران ساسانی پیروی کرده است و همچنین ساختار بنای اولیه مدفون حضرت رضا (ع) گسترده‌تر از بقعه‌ای ساده (تک‌بنا) بوده است. در بخش «بررسی زمینه‌های تاریخی حرم مطهر رضوی» تلاش شد تا در گام اول نشان داده شود که محدوده جغرافیایی طوس و پیرو آن سناباد دارای الگو و جغرافیای فرهنگی خاص بوده است. بنابراین در بخش اول تلاش شد تا شناخت عمیق‌تری از بستر فراهم شود و در گام دوم فرضیه‌های متفاوتی درباره تاریخ شکل‌گیری و ساخته شدن بنای اولیه مدفون حضرت رضا (ع) بررسی شد که در متون طیف وسیعی از دوران پیش از اسلام تا ابتدای قرن سوم هجری را متذکر می‌شدند. از این رو در بخش دوم متون تاریخی درباره کالبد حرم بررسی شد. در انتها براساس متون می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. عبور «جاده ابریشم» از شهر طوس و سناباد و همچنین «قنات کهن سناباد» عاملی مهم برای رشد و توسعه این ناحیه بوده است (Keimanes, 2011, 12) (تصویر ۷). همچنین روستای سناباد به شهرهای طوس، نیشابور و شهر باستانی «دستگرد» بسیار نزدیک بوده است و اکثر نویسندگان در قرون اولیه اسلامی سناباد را از توابع طوس دانسته‌اند. با بررسی‌های بیشتر مشخص شد که قدمت هر یک از این شهرها به قبل از اسلام می‌رسد و در دوران ساسانیان این شهرها وجود داشته است. همچنین تعدادی از آثار ساسانی در نزدیکی سناباد همانند «آتشکده بازه‌هور» قابل مشاهده است. (اشاره به اهمیت استراتژیک منطقه و همچنین دلالت بر پویایی منطقه جغرافیایی طوس قبل از اسلام).

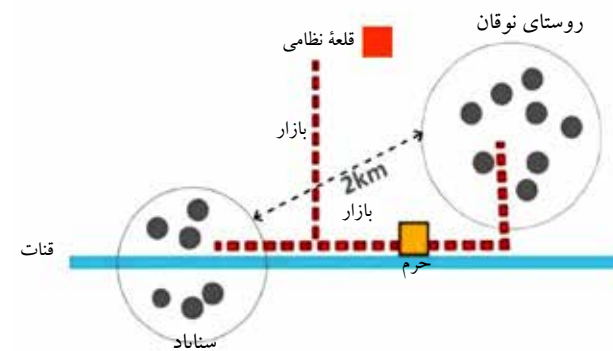
که قحطبه در آن ساکن شده است. او با اشاره به قول ابن حوقل (۱۳۶۶، ۱۶۹) بیان می‌کند که منظور از «حصن استوار» و باروی پیرامون قریه سناباد می‌بایست آثار برجای‌مانده از منطقه طوس قبل از اسلام و بقایای عمارت حکومتی مزبور و مقرّ مرزبان طوس در زمان فتح طوس توسط سپاهیان اسلام و مصالحه او با آنان بوده باشد. از این رو او بیان می‌کند که کاخ مذکور در سال ۳۰ ه.ق. احتمالاً وجود داشته است (تصویر ۶).

– فرضیه دوم اینکه بانی و سازنده کاخ شخص حمید بن قحطبه بوده است.

در این مورد می‌توان بیان کرد که چون کاخ به نام حمید بن قحطبه مشهور است. تصور عمومی آن است که کاخ توسط حمید بن قحطبه احداث شده باشد و افراد مختلف درباره آن استدلال خاصی را ارائه نمی‌دهند.

در قرون اولیه اسلامی بیشتر افراد رویدادهای رخ داده برای حضرت رضا (ع) را شرح داده‌اند و افراد بسیار کمی بنا را توصیف کرده‌اند. «یاقوت حموی» در ابتدای قرن هفتم هجری بیان می‌کند چون ابودلف از مشاهده بنای کاخ حیران شده بود، بنا را چنین توصیف کرد:

«هابین طوس و نیشابور کاخ بسیار باشکوه و محکمی بر پا می‌باشد. من مانند آن را از حیث بلندی دیوارها و استواری بنا هرگز ندیده‌ام. این کاخ شامل غرفه‌های زیبا و تاق‌نماها و هشت‌ها و خزانه‌ها و خلوتخانه‌هایی است که مشاهده آن انسان را مات و مبهوت می‌کند و طاق‌های غریب و عجیب و گنجینه‌ها و خلوتخانه‌های متعدد دارد» (ابودلف خزرچی، ۱۳۵۴، ۸۵ به نقل از حموی، ۱۹۷۹، ۴۹). سپس ابودلف از اهالی آن منطقه در مورد بانی این بنا سؤال می‌پرسد و مردم آن منطقه چنین می‌گویند: «... این عمارت را یکی از تباعه و سلاطین حمیر ساخته، به این معنی که پادشاه



تصویر ۶. محدوده جغرافیایی طوس که شامل دو روستای سناباد و نوقان، قنات، بازار، حرم و قلعه نظامی است. مأخذ: Keimanes, 2011, 12.

(وجود ساختار اجتماعی و فرهنگی غنی که نشان‌دهنده وجود معماری متناسب با آن بوده است).

۵. با توجه به اشاره ابن حوقل (۱۳۶۶) از «حصن استوار» قبر حضرت رضا (ع) و توصیف ابودلف خزر جی (۱۳۵۴) از بنا که ابراز حیرت می‌کند و آن را عجیب می‌خواند و پرسش او از محلیان، که آنها بیان می‌کنند این بنا توسط سلاطین قدیمی‌شان احداث شده است، می‌توان بیان کرد که معماری ساختار کاخ حمید بن قحطبه با معماری اطراف خود تفاوت‌های آشکاری داشته است (می‌تواند نمایانگر تداوم طرح‌مایه‌ها و الگوهای معماری قبل از خود باشد).

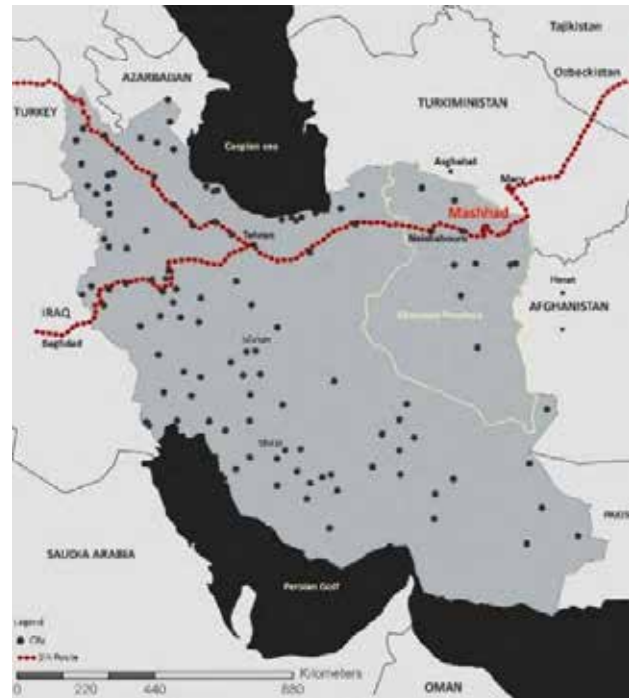
۶. ابن بابویه (۱۳۶۲، ۳۷۶-۳۷۷) اشاره می‌کند که حضرت رضا (ع) در هنگام ورود در منزل حمید بن قحطبه، که دارالاماره خراسان و مقر فرمانروایی او بوده، فرموده‌اند: «این موضع تربت من است و من در این موضع مدفون شوم» بنابراین می‌توان بیان کرد که بنا و عمارت مربوط به حمید بن قحطبه مجموعه‌ای سکونتی-حکومتی بوده است که هارون الرشید در آن دفن بوده است و پیش از حضور حضرت در طوس وجود داشته است (دلالت بر گستردگی بنای نخستین در اوایل قرن سوم هجری و گسترش آن ساختار دارد).

۷. هارون الرشید با توجه به اینکه از خلفای مهم و تأثیرگذار بوده است، احتمالاً در فضایی دفن شده است که در شأن حکمرانی با ویژگی‌های او باشد، به‌خصوص که خلیفه بعدی فرزند او بوده است. از طرف دیگر با توجه به نقش ولایتعهدی حضرت رضا (ع) و دفن آن حضرت در کنار قبر هارون الرشید و نقش و اهمیت سیاسی این دو نفر بعید به نظر می‌رسد که در فضایی که دور از شأن و نقش سیاسی این دو بوده است، دفن شده باشند (می‌تواند بیانگر وجود بنایی گسترده‌تر از یک بقعه ساده باشد).

۸. از دیگر سو با توجه به متون درباره اقدامات مأمون برای مقبره از عبارت «کوشش در آبادانی» و «آبادکردن» عمارت و سناباد نام برده می‌شود که خود سندی بر وجود ساختاری است که بعدها آبادتر شده است (دلالت بر گسترش ساختار معماری موجود دارد).

۹. ابودلف خزر جی (۱۳۵۴) که در قرن سوم هجری بنای اولیه را دیده بود اشاره به ابعاد فضایی اقامتگاه دارد که حدود آن را یک میل مربع می‌داند و در ادامه اشاره می‌کند که حضرت در یکی از باغات آن بنا دفن شده‌اند و همچنین او در بخشی دیگر اشاره به «غرفه‌های زیبا و تاق‌نماها و هشت‌ها و خزانه‌ها و خلوتگاه‌ها» دارد (بیانگر ساختار پیچیده بنای اولیه است).

۱۰. طهماسبی (۱۳۹۲) درباره کاخ‌های ساسانی بیان می‌کند که تنوع فضایی فراوانی در کاخ‌های ساسانی قابل مشاهده



تصویر ۷. جاده ابریشم در ایران که از محدوده جغرافیایی طوس می‌گذرد. مأخذ: Keimanes, 2011, 12.

۲. حبیبی (۱۳۸۷) اشاره می‌کند که طی حفاری‌های صورت‌گرفته در صحن آزادی، تعدادی آثار سفالی از دوران پیش از اسلام کشف شده است که می‌تواند نشان‌دهنده وجود زندگی و قدمت محل در دوران پیش از اسلام باشد (می‌تواند نشانه‌ای از پویایی و وجود تمدن در آن منطقه باشد).

۳. کوهستانی اندرزی و نیستانی (۱۳۹۷، ۱۳) با اشاره به نولد بیان می‌دارند که مرزبانان (کنارنگیان) طوس با مسلمانان به این دلیل صلح می‌کنند که بتوانند بر منطقه خود حکمرانی کنند. در نتیجه در این منطقه کشتار و تخریب صورت نگرفته است و حکومت مرزبانان آن منطقه زیر نظر حکومت مسلمانان ادامه پیدا کرد. از این رو می‌توان در نظر داشت که غنای معماری این منطقه پس از ورود اسلام هم تداوم داشته است (می‌تواند بیانگر امتدادیافتن ساختارهای معماری و شهری از پیش از اسلام به بعد از اسلام باشد).

۴. مسلمانان پس از فتح طوس در آن شهر ساکن نشدند و در نزدیکی مقر حکومتی ولایت طوس (سناباد) اردوگاهی تشکیل داده و در آنجا ساکن شدند که بعدها به آن نوقان گویند (بختیاری شهری، مرتضایی و شعبانی صنم‌آبادی، ۱۳۹۴، ۱۹). از این رو می‌توان انتظار داشت که فرهنگ آن منطقه دستخوش تغییرات چندان زیادی نشده باشد

قرارگیری قبور حضرت رضا (ع) و هارون الرشید تغییری پیدا نکرده باشد.

علاوه بر سه مورد فوق می‌توان دو استدلال دیگر نیز طرح کرد: ۴. کاوش‌های صورت‌گرفته در اطراف بقعه نشان می‌دهد بقایای ساختمانی از اوایل اسلام قابل ردیابی است که خود دلالت بر بازسازی بنا در قرون بعدی دارد. مولوی و شهرستانی (۱۳۴۴، ۱۰۹) بیان می‌کنند: «... اکنون قواعد گنبد مطهر بقعه منوره روی دیواری است که قسمت متصل به زمین آن چینه است و قسمت فوقانی با آجر بنا شده. آنچه از دیوار چینه تا به حال باقی مانده از روی زمین تا دو متر می‌باشد»؛ ۵. تخریب‌هایی که در جنگ‌ها صورت می‌گرفته است باعث نابودی کل بنا نمی‌شده است، بلکه تهرانگ آنها نیز باقی می‌مانده است. در واقع تصویر ذهنی امروز نسبت به تخریب یک اثر تصویری معاصر است که با آنچه در تاریخ رخ می‌داده است می‌تواند مقداری متفاوت باشد، برای مثال، می‌توان به تخریب بنای «امیرارسلان جاذب» و تخریب کاخ لشگری بازار توسط مغولان اشاره کرد (تصویر ۸) که



الف



ب

تصویر ۸. الف) تهرانگ به‌جامانده از بنای امیر ارسلان جاذب. مأخذ: Google Earth. ب) بازمانده‌های کاخ لشگری بازار. مأخذ: www.Archnet.org

است و این کاخ‌ها از سه بخش مذهبی، اندرونی (دیوان خاص) و بیرونی (دیوان عام) تشکیل شده است. همچنین هیلن‌برند (۱۳۸۷، ۳۷۷-۳۷۹) درباره کاخ‌های صدر اسلام بیان می‌کند که این کاخ‌ها دارای نظامات عملکردی پیچیده‌ای هستند (اشاره به ساختار پیچیده کاخ‌ها در دوره ساسانی و صدراسلام دارد).

نکات طرح‌شده را می‌توان به صورت زیر جمع‌بندی کرد: نکات ۱ و ۲ دلالت بر فرهنگ غنی منطقه و پویایی موجود در آن دارد که این موضوع می‌تواند بیانگر وجود معماری خاص منطقه باشد. براساس نکات ۳ و ۴ می‌توان احتمال دانست که فرهنگ طوس بعد از ورود اسلام ادامه پیدا کرده باشد و دستخوش تغییرات چندانی نشده باشد و معماری آرامگاه حضرت رضا (ع) براساس آن فرهنگ و غنای معماری شکل گرفته باشد. براساس نکته ۶ می‌توان بیان کرد که با توجه به آهستگی و پیوستگی سیر تحول ساختارهای متداول در معماری گذشته، زبان معماری معیار کاخ حمید بن قحطبه، نسبت به معماری فراگیر زمانه آن دوران تفاوت داشته است و همین امر منجر به چنین اظهار نظری شده است. این موضوع می‌تواند بیانگر قدمت بسیار زیاد بنا باشد. براساس نکات طرح‌شده می‌توان استدلال کرد که محتمل است ساختار اولیه فضایی بنای حرم مطهر رضوی براساس معماری کاخ‌های ساسانی شکل گرفته باشد. براساس نکات ۸، ۹، ۱۰ و ۱۱ می‌توان استدلال کرد که در زمان دفن حضرت در کاخ حمید بن قحطبه، احتمالاً کاخ دارای ساختاری پیچیده بوده است.

در بخش بعدی ردپای بنای نخستین در وضعیت فعلی بنای حرم مطهر رضوی مورد بررسی قرار خواهد گرفت، اما پیش از آن باید در نظر داشت که تخریب‌های صورت‌گرفته در قرون پنجم و هشتم هجری به‌صورت کامل اتفاق نیفتاده است و گذشتگان بر روی بنای نخستین اقدام به بازسازی و ترمیم آن کرده‌اند. از این رو استدلال‌هایی برای این موضوع ذکر خواهد شد:

زنگنه قاسم‌آبادی (۱۳۷۶، ۱۶۶) باور دارد که تخریب صورت‌گرفته به‌صورت کامل اتفاق نیفتاده است و برای این منظور سه دلیل را ذکر می‌کند:

۱. بنا در طی دوره‌های مختلف تاریخی توسط افراد مختلف دیده شده و حرم توسط آنان توصیف شده است؛
۲. در بقعه می‌توان کاشی‌های نفیسی را دید که نام بانی و تاریخ‌های ۵۱۲، ۶۱۲ و ۷۶۱ ه.ق. در آنها ضبط شده است؛
۳. در صورت تخریب کامل می‌توان انتظار داشت در بازسازی بقعه محل قرارگیری دیوارها توسط دستداران حضرت تغییر پیدا کرده باشد و حضرت در وسط قرار گیرد. اما به‌نظر می‌رسد با توجه به سفرنامه‌های مختلف، محل

اسلام با توجه به نظام چلیپایی فضایی و ایوان‌های موجود در کاخ‌ها در قالب **جدول ۱** مورد بررسی قرار گیرند. برای بررسی کاخ‌های ساسانی و کاخ‌های صدر اسلام تا قرن هفتم هجری، ۷ بنا انتخاب شد. این بناها شامل ۴ کاخ باغ ساسانی (مجموعه بیشاپور، ایوان خسرو، خانه‌اربابی حاجی‌آباد و عمارت خسرو) و ۳ کاخ-باغ صدر اسلام (کاخ لشگری بازار، کاخ غزنه و کوشک رحیم‌آباد) است. دربارهٔ مصادیق این نکته باید گفت با اینکه از کاخ‌های دورهٔ ساسانی و صدر اسلام اثر درخور توجهی به‌جای نمانده است، اما می‌توان انتظار داشت که الگوی کلی و ویژگی‌های هندسی-فضایی آنها را از معدود کاخ‌های آن دوران استخراج و بازسازی کرد.

مجموعهٔ یافت‌شده متشکل از هندسهٔ چلیپایی به‌علاوهٔ گنبدخانه همراه با فضای ایوانی‌شکل است. از این رو برای جست‌وجو و تطبیق آن با کاخ‌های ساسانی و صدر اسلام، در گام اول نظام چلیپایی فضایی در کاخ‌ها بررسی می‌شود و سپس اگر نظام چلیپایی یافت شود، ترکیب فضای ایوانی‌شکل به‌علاوهٔ نظام چلیپایی جست‌وجو می‌شود و در انتها مجموعهٔ نظام چلیپایی به همراه گنبدخانه به‌علاوه فضای ایوانی‌شکل مورد جست‌وجو قرار خواهد گرفت.

• **بحث پیرامون الگوی یافت‌شده (نظام چلیپایی به همراه فضای ایوانی‌شکل)**

با توجه به مقایسهٔ تطبیقی صورت‌گرفته در **جدول ۲ و ۳** می‌توان بیان کرد که مجموعهٔ یافت‌شده با کاخ مجموعهٔ

مورد توجه قرار گرفت. در این بخش روضهٔ منوره و رواق‌های «دارالسیاده» و «دارالحفاظ» امروزی به‌صورت سامان‌یافته‌تر و دارای نظام شکلی منظم‌تری یافت شدند (**تصویر ۹-ج**). همچنین زمانی که یافتهٔ این بخش با **تصویر ۴** انطباق داده شد، این نکته روشن شد که تاریخ شکل‌گیری این بخش از بنا چندان روشن نیست و به‌نظر می‌رسد قدمت بیشتری نیز دارد. بنابراین این مجموعه به‌عنوان نقطهٔ عطفی برای تحلیل‌های بعدی در نظر گرفته شد.

مجموعهٔ یافت‌شده (روضهٔ منوره و رواق‌های دارالسیاده و دارالحفاظ) دارای دو بخش درهم‌تنیده است: بخش نخست متشکل از هندسهٔ چلیپایی (دارالسیاده) است و بخش دوم متشکل از یک فضای گنبدخانه‌ای به همراه فضای ایوانی‌شکل مقابل آن است.

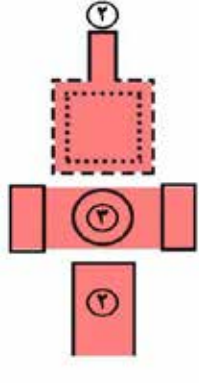
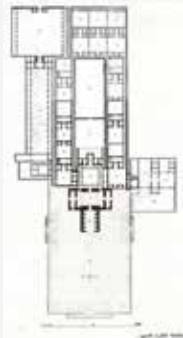
برای مشخص کردن الگوی ساخت مجموعهٔ یافت‌شده، به بررسی تطبیقی آن با کاخ‌های صدر اسلام و ساسانی پرداخته خواهد شد.

• **بررسی تطبیقی نظام چلیپایی، فضای ایوانی‌شکل و گنبدخانه با کاخ‌های ساسانی و صدر اسلام**

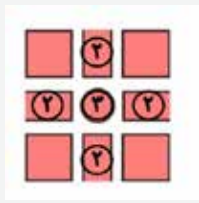
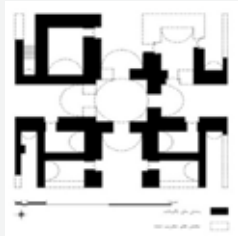
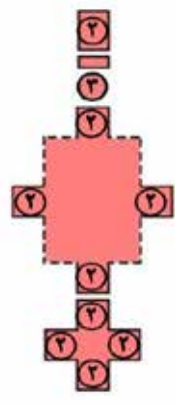

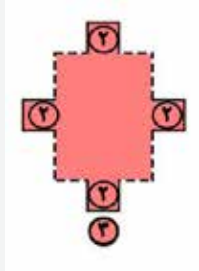

با توجه به احتمالات موجود دربارهٔ زمان ساخت و الگوی ساخت کاخ حمید بن قحطبه که عده‌ای اعتقاد دارند زمان ساخت این بنا به دورهٔ ساسانی مربوط می‌شود و یا از الگوهای ساسانی برای ساخت آن استفاده شده است و گروه دیگر باور دارند که حمید بن قحطبه آن کاخ را ساخته است، بنابراین تلاش می‌شود تا کاخ‌های ساسانی و صدر

جدول ۱. صورت‌بندی فرضیه‌ها. مأخذ: نگارندگان.

شواهد موجود	استنتاج صورت‌گرفته از شواهد	صورت‌بندی فرضیه
جادهٔ ابریشم و آثار به‌جامانده از معماری و شهرسازی ساسانی مانند شهر باستانی دستگرد و آتشکدهٔ بازه‌هور	اهمیت استراتژیک منطقه که زمینه‌های لازم برای شکل‌گیری فرهنگ ویژه در آن منطقه را فراهم کرده است.	صورت‌بندی فرضیه
آثار مکشوفه از دورهٔ ساسانی در حرم مطهر	پویایی و وجود تمدن در منطقه	انتساب مجموعه به
ذکر روایاتی که دال بر وجود منطقه پیش از اسلام دارد	وجود هویت پیشینی محل دفن حضرت رضا (ع)	الگوهای دوران پیش از اسلام
عدم تخریب گسترده در منطقهٔ طوس	تداوم ساختارهای معماری و شهرسازی به بعد از اسلام	
حفظ غنای فرهنگی و اجتماعی حتی پس از ورود اسلام و حمله‌های مختلف	ریشه‌داربودن ساختار فرهنگی منطقه	
وجود دارالحکومه در طوس	وجود ساختاری پیچیده	
مشاهدهٔ معماری متفاوت با زمان	عدم تخریب گسترده و قدمت بیشتر بنا نسبت به بناهای اطراف	
سکونت افراد مهمی همچون هارون الرشید و مأمون در منزل حمید بن قحطبه	شأنیت معماری با افراد استفاده‌کننده	گسترده‌گی و پیچیدگی بنای اولیه نسبت به یک تک‌بقعهٔ ساده
ذکر مفهوم آبادانی و نه ساخت در متون	تبعیت از ابنیهٔ موجود و گسترش دادن آن	
خوانش معماری با اجزای مختلف در قرون اولیه توسط سیاحان	گسترده‌بودن بنا	

<p>۱. متعلق به اواخر دورهٔ ساسانیان. ۲. حیاط‌های متعدد درونی. ۳. گنبدخانه از سویی متصل به ایوان ستون‌دار و از سویی دیگر متصل به حیاط.</p>			۵
<p>چلیپا (۱) فضای ایوانی شکل (۲) گنبدخانه (۳)</p> <p>- ✓ ✓</p> <p>توضیحات: در این بنا نظام چلیپایی فضایی مشاهده نمی‌شود، اما ایوان منتهی به گنبدخانه قابل مشاهده است. بنابراین با الگوی یافت‌شده در حرم هماهنگی ندارد.</p>	<p>عمارت خسرو</p>		

جدول ۳. نظام چلیپایی، فضای ایوانی‌شکل و گنبدخانه در کاخ‌های صدر اسلام. مأخذ: نگارندگان.

ویژگی‌های شاخص	نحوهٔ ساماندهی ایوان‌ها و فضای چلیپایی	پلان و نام بنا	
<p>۱. متعلق به سدهٔ سوم ه.ق. ۲. پلان مربع و الگوی ساخت «نه‌گنبدی برون‌گرا».</p> <p>چلیپا (۱) فضای ایوانی شکل (۲) گنبدخانه (۳)</p> <p>- ✓ ✓</p> <p>توضیحات: در این بنا نظام چلیپایی فضایی مشاهده نمی‌شود، اما ایوان منتهی به گنبدخانه قابل مشاهده است. بنابراین با الگوی یافت‌شده در حرم هماهنگی ندارد.</p>			۱
<p>۱. متعلق به قرن چهارم هجری است. ۲. کاخ منسوب به سلطان محمود غزنوی است. ۳. فضاهای چلیپایی شکل، حیاط‌های چهارایوانی است. ۴. دارای حیاط‌های متعددی است. ۵. ایوان شمالی متصل به گنبدخانه.</p> <p>چلیپا (۱) فضای ایوانی شکل (۲) گنبدخانه (۳)</p> <p>- ✓ ✓</p> <p>توضیحات: در این بنا نظام چلیپایی فضایی مشاهده نمی‌شود، اما ایوان منتهی به گنبدخانه قابل مشاهده است. بنابراین با الگوی یافت‌شده در حرم هماهنگی ندارد.</p>			۲
<p>۱. متعلق به قرن پنجم است. ۲. دارای حیاط‌های متعددی است. ۳. بنا چهارایوانی است. ۴. ایوان جنوبی متصل به گنبدخانه.</p> <p>چلیپا (۱) فضای ایوانی شکل (۲) گنبدخانه (۳)</p> <p>- ✓ ✓</p> <p>توضیحات: در این بنا نظام چلیپایی فضایی مشاهده نمی‌شود، اما ایوان منتهی به گنبدخانه قابل مشاهده است. بنابراین با الگوی یافت‌شده در حرم هماهنگی ندارد.</p>			۳



در سال ۸۴۴ ه.ق. متولد شده است و با توجه به زمان به سلطنت رسیدن سلطان حسین بایقرا (۸۷۵ ه.ق.) که امیر علیشیر نوایی به وزارت می‌رسد، می‌توان بیان کرد که حداقل به مدت ۵۳ سال یک فضای بی‌شکل و بی‌استفاده بین مسجد و بقعه باقی بوده است که با توجه به سنت ساخت‌وساز در معماری گذشته کشورمان، این موضوع بعید به نظر می‌رسد؛

۲. بین کاشی‌های زرین‌فامی که در دیوار شمالی رواق دارالحفاظ قرار دارد و کاشی‌های زرین‌فام داخل بقعه شباهت‌هایی وجود دارد و همچنین آنها به کتیبه‌ای در دیوار شمالی رواق دارالحفاظ اشاره می‌کنند که در سال ۶۱۲ ه.ق. به پایان رسیده است (مولوی و شهرستانی، ۱۳۴۴، ۱۱۲). از این رو می‌توان بیان کرد که رواق دارالحفاظ حداقل در سال ۶۱۲ ه.ق. وجود داشته است؛

۳. با توجه به ابعاد فضای دارالسیاده می‌توان محتمل دانست که افراد زیادی در زمان ساخته شدن آن از حرم دیدار می‌کرده‌اند. از این رو مسئله دسترسی از دارالسیاده به بقعه امری مهم به نظر می‌رسد. بنابراین برای دسترسی دارالسیاده به بقعه می‌توان دو راه‌حل را در نظر گرفت؛ راه‌حل اول عبور از مسجد بالاسر است که این احتمال به دلیل کوچک بودن ابعاد فضایی و عبور افراد از نزدیک محراب یا صف اول نماز، ضعیف به نظر می‌رسد و احتمال دوم دورزدن مسجد بالاسر است که در این صورت باید فضای دیگری برای اتصال دارالسیاده به بقعه وجود داشته باشد. از این رو می‌توان بیان کرد که رواق دارالحفاظ با رواق دارالسیاده در یک دوره زمانی ساخته شده باشند (تصویر ۱۰).

بر اساس نکات طرح‌شده می‌توان استدلال کرد که احتمالاً رواق‌های دارالحفاظ و دارالسیاده قبل از دوره تیموریان وجود داشته‌اند، اما چندان برجسته نبوده‌اند و سپس در دوره‌های بعد، مخصوصاً در دوره تیموریان مورد توجه و بازسازی قرار گرفته‌اند.

نتیجه‌گیری

هدف این مقاله گمانه برای تشخیص ساختار اولیه کالبد مدفن حضرت رضا (ع) است که مبتنی بر متن پژوهی و بررسی سیر تحول شکلی-تاریخی صورت می‌گیرد. هرچند به واسطه تخریب‌های مختلفی که در دوران زمام‌داری برخی از حکمرانان رخ داده است بخشی از اسناد مکتوب و بخش‌هایی از بنا از دست‌رفته است و از طرفی دیگر، بسیاری از بخش‌های مهم بنا طی اعصار زیر تزیینات دوره‌های بعد مخفی شده‌اند و یا دستخوش تغییر شده‌اند و امکان دسترسی به آنها وجود ندارد، اما این انتظار می‌رود که بتوان ردپای بنای اصلی را در ساختار فعلی پیدا کرد.

بیشاپور بیشترین میزان شباهت را نشان می‌دهد و همچنین باید ذکر کرد که نظام چلیپایی، فقط درون کاخ‌های ساسانی قابل مشاهده است. زمانی که الگوی یافت‌شده با تصویر ۶ مورد قیاس قرار گرفت دو تردید پیدا شد که در این بخش تلاش خواهد شد تا به آنها پاسخی ارائه شود:

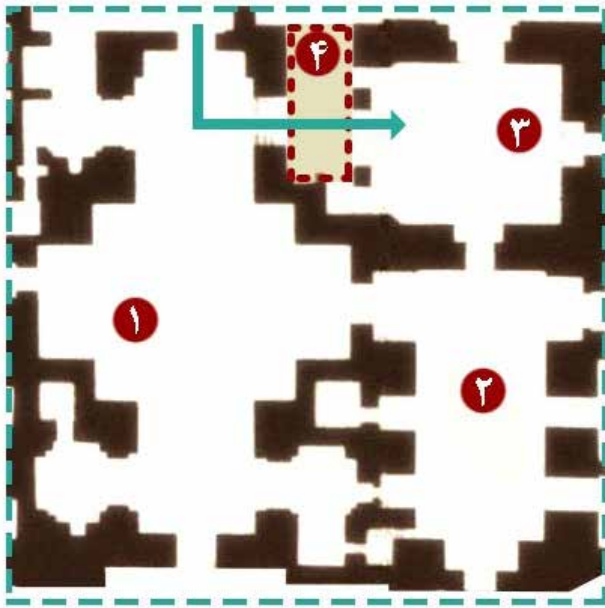
- تردید اول: دارالسیاده در دوره تیموریان احداث شده است. به این موضوع در مقالات کنفرانسی و وبسایت‌ها اشاره شده است. برهان آزاد (۱۳۴۷، ۱۱) در مقاله «دارالسیاده» اشاره می‌کند که رواق دارالسیاده در سال ۸۲۱ ه.ق. ساخته شده است. اما کسانی که این نکته را ذکر کرده‌اند منبع خاص یا حتی استدلال خاصی را برای گفته‌های خود ارائه نمی‌دهند از این رو می‌توان در گفته‌های آنها تردید کرد. از این رو درباره این موضوع جست‌وجوی بیشتری شد.

۱. در جست‌وجوهای بیشتر مشخص شد که قدیمی‌ترین اثر چوبی حرم مربوط به در دارالسیاده معروف به «قاضی الحاجات» است، که تاریخ ساخت آن ۵۰۷ ه.ق. بیان شده است، چه بسا این در، ورودی اصلی بنا یا یکی از ورودی‌های مجموعه زیارتی حرم بوده باشد (کفیلی، ۱۳۹۷، ۲۹۳). بنابراین می‌توان محتمل دانست که این بنا در دوره سلجوقی وجود داشته باشد؛

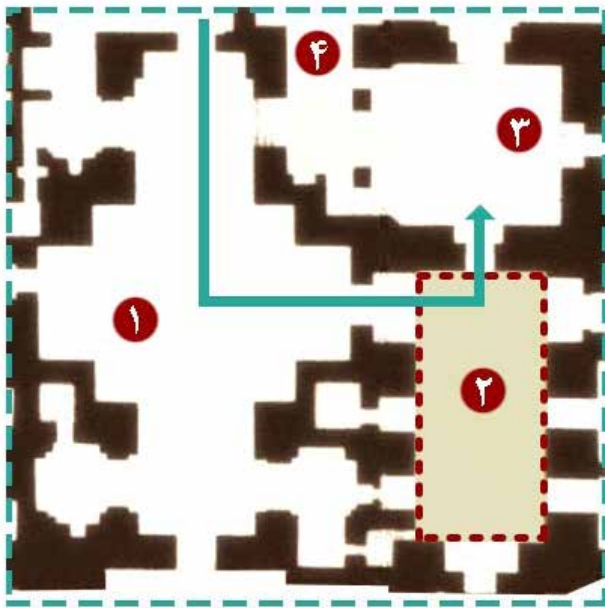
۲. در بررسی متون تاریخی درباره دارالسیاده در کتاب «منتخب التواریخ» آمده است: «... شمال دارالسیاده دری است که به سقاخانه باز می‌شود. طرف راست کسی که می‌رود رو به آن در پنجره نقره‌ای است که پشتش مسجد بالاسر حرم مطهر است و طرف چپ مقابل پنجره نقره، مسجد کوچکی است بسیار زیبا. طول این مسجد چهار ذرع است و عرض آن سه ذرع و بعضی علما گفتند که حضرت رضا (ع) در این مسجد نماز گزارده ...» (خراسانی، ۱۳۸۴، ۶۴۹). مسجد حاج قاسم روبه‌روی مسجد بالاسر قرار داشت. شاید بتوان این نقل قول را جدی نگرفت، اما می‌تواند دلالت بر قدمت زیاد دارالسیاده داشته باشد.

- تردید دوم: غیاث‌الدین خواندمیر (۱۳۷۸، ۹۲) (تاریخ‌نگار قرن دهم هجری) در کتاب «مکارم الاخلاق» زندگی امیر علیشیر نوایی را شرح داده است، او اشاره می‌کند که دارالحفاظ توسط امیر علیشیر نوایی ساخته شده است: «دارالحفاظ که در مشهد مقدسه داخل روضه رضویه ساخته‌اند و آن را به نقوش اسلامی و ختایی از لاجورد و طلا در غایت تکلف پرداخته‌اند و ... البته با کمی بررسی می‌توان در این گفته سه تردید را وارد کرد:

۱. با توجه به کتیبه‌های موجود در مسجد گوهرشاد می‌توان به این نکته اشاره کرد که ساخت مسجد گوهرشاد در سال ۸۲۲ ه.ق. تمام شده است. امیر علیشیر نوایی



الف



ب

تصویر ۱۰. الف) ورود به بقعه منوره از مسجد بالاسر. ب) ورودی بقعه منوره از دارالحفاظ (فضاها به ترتیب شماره عبارت‌اند از ۱. دارالسیاده ۲. دارالحفاظ ۳. بقعه منوره ۴. مسجد بالاسر). مأخذ: نگارندگان.

قدردانی

این مطالعه در قالب طرح پژوهشی مصوب و با حمایت و زیر نظر پژوهشکده شهر معنوی ثامن، گروه میراث فرهنگی انجام گرفته است. نگارندگان از دکتر علی‌عمرانی‌پور و رضا سلیمان‌نوری برای راهنمایی‌های روشن‌گرانه‌شان نهایت سپاس و قدردانی را دارند. لازم به ذکر است که سهم همه پژوهشگران در این پژوهش با یکدیگر برابر است.

پی‌نوشت

۱. حمید بن قحطبه از سرداران ابومسلم بود که در سال ۱۲۹ ه.ق. طوس را فتح

با این حال، در گام اول تلاش شد با بررسی اسناد تاریخی، توصیفات موجود در قرون اولیه جمع‌آوری شود تا از این طریق تصویری اولیه و ابتدایی از هسته اولیه حرم مطهر رضوی شکل گیرد. همچنین از طریق مطالعه متون تاریخی و بررسی تعدادی از کاخ‌های ساسانی و صدر اسلام، فرضیه‌ای طرح شد.

در گام دوم با توجه به توصیفات، احتمالات زمان ساخت، و فرضیات در اطراف بقعه، الگویی فضایی دنبال شد. برای این منظور، حرم مطهر با توجه به جزرها، مقیاس فضاها، تناسب و هندسه مورد بررسی قرار گرفت. همچنین به صورت موازی تلاش شد با بررسی متون مختلف، قدمت هریک از بخش‌های بنا شناسایی شود.

در گام سوم همراه با شناسایی هسته مرکزی بنا، که متشکل از هندسه چلیپایی به‌علاوه گنبدخانه همراه با فضای ایوانی شکل است، به جست‌وجو و تطبیق آن با کاخ‌های ساسانی و صدر اسلام پرداخته شد. برای این منظور در مرحله اول، نظام چلیپایی فضایی در کاخ‌ها بررسی شد و سپس در بین مواردی که نظام چلیپایی یافت شد، ترکیب هندسه چلیپایی به‌علاوه فضای ایوانی شکل جست‌وجو شد و در انتها مجموعه نظام چلیپایی به همراه گنبدخانه به‌علاوه فضای ایوانی شکل مورد جست‌وجو قرار گرفت. این الگو با کاخ مجموعه بیشاپور بیشترین میزان شباهت را نشان داد. علاوه بر آن باید ذکر کرد که شروع استفاده از نظام چلیپایی در کاخ‌های ساسانی مشاهده می‌شود.

همچنین اطلاعات به‌دست آمده از این قیاس با تصویر دوره‌بندی فضاها مورد مقایسه قرار گرفت تا تعارضات آشکار و حل شود.

در انتها با توجه به مستندات ارائه‌شده در این مقاله، می‌توان چنین نتیجه گرفت که:

۱. با توجه به شباهت یافت‌شده میان الگوی موجود در حرم با کاخ مجموعه بیشاپور و با توجه به اینکه استفاده از ساختار چلیپایی در کاخ‌های ساسانی پیدا شده است، می‌توان اذعان داشت که ساختار کاخ حمید بن قحطبه از الگوهای معماری ساسانی تبعیت کرده است؛

۲. بنای اولیه مدفن حضرت رضا (ع) ساختاری پیچیده داشته است و رواق‌های دارالسیاده و دارالحفاظ جزء اصلی هسته اولیه بنای مذکور بوده‌اند؛

۳. با توجه به الگوی نظام چلیپایی به همراه فضای ایوانی شکل و استدلال فرضیات طرح‌شده می‌توان بیان کرد که تخریب‌های صورت‌گرفته به معنای نابودشدن کامل بنا نبوده و معماران بر روی خرابه‌های باقی‌مانده اقدام به بازسازی بنا کرده‌اند، هرچند برخی از ویژگی‌های شکلی و فضایی بنا دچار تغییراتی شده است.

کرد. او، پس از پیروزی عباسیان و قتل ابومسلم، در طوس مستقر شد و در محل سناباد که دهی در مجاورت نوغان بود، استقرار یافت (قصابیان، ۱۳۷۷، ۵۶).

فهرست منابع

- ابن ابی زینب، محمد بن ابراهیم. (۱۳۷۶). ترجمه و متن غیبت نعمانی (ترجمه محمدجواد غفاری). تهران: نشر صدوق.
- ابن اثیر، عزالدین علی. (۱۳۵۱). تاریخ کامل (ج. ۱۶، ترجمه ابوالقاسم حالت و محمدتقی اصفهانی). تهران: انتشارات علمی.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۶۲). عیون أخبار الرضا (ترجمه محمدتقی اصفهانی). تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- ابن حوقل، محمد بن حوقل. (۱۳۶۶). صورة الارض، سفرنامه ابن حوقل (ترجمه جعفر شعار). تهران: امیرکبیر.
- ابودلف خزرچی، مسعر بن مهلهل. (۱۳۵۴). سفرنامه ابودلف در ایران، در سال ۳۴۱ هجری (ترجمه سیدابوالفضل مینورسکی). تهران: زوار.
- استرآبادی، میرزا مهدی. (۱۳۶۱). جهانگشای نادری. تهران: انجمن آثار ملی.
- اسفرازی، معین‌الدین محمد. (۱۳۳۹). روضات الجنات فی اوصاف مدینه هرات (با تصحیح و حواشی و تعلیقات محمدکاظم امام). تهران: دانشگاه تهران.
- اصطخری، ابراهیم بن محمد. (۱۳۶۸). المسالك و الممالک (به اهتمام ایرج افشار). تهران: علمی و فرهنگی.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۳۶۲). مطلع الشمس (ج. ۲ و ۳). تهران: انتشارات فرهنگسرا.
- اعتماد السلطنه، محمدحسن بن علی. (۱۳۶۴). تاریخ منتظم ناصری. تهران: دنیای کتاب.
- افشار سیستانی، ایرج. (۱۳۷۸). شناخت استان خراسان: مجموعه‌ای از تاریخ، جغرافیا، آثار باستانی، جاذبه‌های جهانگردی، شهرستان‌ها. تهران: هیرمند.
- امام، محمدکاظم. (۱۳۴۸). مشهد طوس: یک فصل از تاریخ و جغرافیای تاریخی خراسان. تهران: کتابخانه ملی ملک.
- بختیاری شهری، محمود؛ مرتضایی، محمد و شعبانی صمغ‌آبادی، رضا. (۱۳۹۴). پژوهشی پیرامون جغرافیای تاریخی، فرهنگی ناحیه طوس در چهار قرن نخستین اسلامی (با اتکا به داده‌های باستانشناختی و متون تاریخی). پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۱۶ (۲)، ۳۰-۱۱.
- برهان آزاد، ابراهیم. (۱۳۴۷). دارالسیاده. نامه آستان قدس، ۳۸ (۱)، ۱۲۴-۱۳۷.
- بغایری، عبدالرزاق. (۱۳۴۲ ه.ق.). سند شماره ۶۲۲۵۸ (به سفارش میرزا علی‌اصغر خان مهندس). آرشیو مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- پیرنیا، محمدکریم. (۱۳۹۰). سبک‌شناسی معماری ایرانی (تدوین غلامحسین معماریان). تهران: سروش دانش.
- پیگولوسکایا، نینا ویکتورونوا. (۱۳۶۷). شهرهای ایران در روزگار پارتیان و ساسانیان (ترجمه رضا عنایت‌الله). تهران: علمی و فرهنگی.
- ترکمان، اسکندربیک. (۱۳۵۰). عالم‌رای عباسی (ج. ۲). تهران: امیرکبیر.
- جهان‌پور، فاطمه. (۱۳۸۵). نگاهی دیگر به طوس. در شاهنامه پژوهی (زیر نظر راشد محصل). مشهد: دانشگاه فردوسی.
- حافظ ابرو، شهاب‌الدین. (۱۳۷۲). زبدة التواریخ (ج. ۲). تهران: نشر نی.

- حبیبی، مریم. (۱۳۸۷). شناسنامه سفال و چینی (فرم شماره ۹). آستان قدس رضوی، معاونت امور موزه‌ها، آرشیو اداره پژوهش و معرفی آثار.
- حقیقت‌بین، مهدی؛ انصاری، مجتبی و پورجعفر، محمدرضا. (۱۳۸۸). بررسی تاریخی خیابان (چهارباغ) شهر مشهد در عصر صفویه (۱۰۲۰ - ۱۰۱۶ ه.ق.). پژوهش‌های تاریخی، ۱ (۴)، ۳۷-۵۴.
- حموی، یاقوت بن عبدالله. (۱۹۷۹). معجم البلدان (ج. ۴، ترجمه علینقی منزوی). بیروت: دار صادر.
- خراسانی، محمدهاشم. (۱۳۸۴). منتخب التواریخ. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- خلوصی‌راد، ذبیح‌الله. (۱۳۶۸). مختصری از سابقه تاریخی ناحیه طوس. مشکوة، ۲۲ (۸)، ۱۳۷-۱۴۳.
- خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. (۱۳۷۸). مکارم الاخلاق: شرح احوال و زندگانی امیر علیشیر نوایی. تهران: میراث مکتوب.
- دهقانی، محمد. (۱۳۹۴). شاهنامه ابومنصوری. تهران: نشر نی.
- زادسپهر. (۱۳۶۶). گزیده‌های زادسپهر (ترجمه راشد محصل). تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- زارعی، علی؛ هاشمی زرج‌آباد، حسن و مسعودی، ذبیح‌الله. (۱۳۹۵). نقش و جایگاه حرم مطهر رضوی در شکل‌گیری و تکامل حیات شهری مشهد الرضا. پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۷ (۲۳)، ۱۰۵-۱۱۵.
- زنگنه قاسم‌آبادی، ابراهیم. (۱۳۷۶). حرم مطهر رضوی و رویدادهای مهم آن. مشکوة، ۱۶ (۵۶-۵۷)، ۱۶۵-۱۸۷.
- سمرقندی، عبدالرزاق. (۱۳۵۳). مطلع السعدین و مجمع البحرین. تهران: طهوری.
- شوشتری، قاضی نورالله. (۱۳۵۷). مجالس المؤمنین. تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- صدری‌کیا، سمیه و بمانیان، محمد. (۱۳۹۴). چگونگی پیدایش و تکامل ساختارهای معماری حرم مطهر رضوی از آفرینش کالبدی اولیه تا قرن پنجم ه.ق. همایش ملی نقش خراسان در شکوفایی هنر اسلامی، مشهد، مؤسسه آموزش عالی فردوس.
- صدری‌کیا، سمیه. (۱۳۹۴). اصول توسعه کالبدی حرم مطهر رضوی با تأکید بر تحولات تاریخی قرن نهم ه.ق. پژوهشنامه خراسان بزرگ، ۵ (۱۸)، ۴۷-۶۰.
- طهماسبی، احسان. (۱۳۹۲). بررسی تطبیقی معماری کاخ‌ها و خانه‌های اشرافی ساسانیان. پژوهش‌های باستان‌شناسی ایران، ۴ (۳)، ۱۵۳-۱۶۸.
- عرفانیان سلیم، منا و اصغرزاده، آزاده. (۱۳۹۲). بازشناسی جایگاه بازار سرشور در ساختار کنونی شهر مشهد. هفت شهر، ۴ (۴۳-۴۴)، ۱۷-۲۹.
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد. (۱۳۶۶). روضة الواعظین و بصیرة المتعظین (ترجمه محمود مهدوی دامغانی). تهران: نشر نی.
- قصابیان، محمدرضا. (۱۳۷۷). تاریخ مشهد (از پیدایش تا آغاز دوره افشاریه). مشهد: انصار.
- کفیلی، حشمت. (۱۳۹۷). آثار چوبی منبت‌کاری حرم امام رضا (ع). در میثم جلالی و محمدرضا نجفی (ویراستاران)، تزیینات معماری بارگاه حضرت رضا (ع) (صص. ۳۱۸-۲۷۷). مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی.
- کوهستانی اندرزی، حسین و نیستانی، جواد. (۱۳۹۷). بازتاب ساختار سیاسی اجتماعی بر روند سکونت طوس کهن در اواخر دوره ساسانی و اوایل اسلام. پژوهشنامه تاریخ اجتماعی و اقتصادی، ۷ (۲)، ۱-۲۳.

- وحیدنیا). تهران: وحید.
- مولوی، عبدالحمید و شهرستانی، محمدعلی. (۱۳۴۴). نظری به حریم پاک امام (تاریخ بنای حرم مطهر). *نامه آستان قدس*، ۲۰(۱)، ۱۰۳-۱۲۰.
 - نجیب کازرکار، نسرین؛ عزیزاده، کتایون و صارمی، حمیدرضا. (۱۳۹۳). سیر دگرگونی ویژگی‌های کالبدی معماری و شهرسازی بافت قدیم مشهد در دوران تیموری و صفوی. *فقه و تاریخ تمدن ملل اسلامی*، ۳۹(۱۰)، ۸۷-۱۱۴.
 - هیلن‌برند، روبرت. (۱۳۸۷). *معماری اسلامی: شکل، کارکرد، معنی* (ترجمه باقر آیت‌الله‌زاده شیرازی). تهران: روزنه.
 - یعقوبی، احمد بن اسحاق. (۱۳۴۳). *البلدان* (ترجمه محمدابراهیم آیتی). تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
 - Keimanesh, T. (2011). *Pilgrimage, power and identity of the place strategie for future development of Mashhad as a sustainable religious city* (Published master's thesis). Delft University of Technology, Netherlands.
 - Saadat, B. (1976). *The Holy Shrine of Imam Reza*. Retrieved July 15, 2018, from www.archnet.org/

- لباف خانیکی، رجبعلی. (۱۳۹۳). *جایگاه سفال‌های آستان قدس رضوی در سفالگری ایران*. مشهد: سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی.
- مازندرانی، محمدصالح بن احمد. (۱۳۴۲). *الکافی* (ج. ۷: *الاصول و الروضة*). تهران: المكتبة الاسلامية للنشر و التوزيع.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۶۳). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول* (ج. ۶). تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. (۱۳۵۵). *بحار الأنوار* (ج. ۴۸: *زندگانی حضرت امام موسی کاظم*) (ترجمه موسی خسروی). تهران: کتابفروشی اسلامیة.
- مروی، محمدکاظم. (۱۳۶۴). *عالم‌آرای نادری*. تهران: زوار.
- مقدسی، محمد بن احمد. (۱۳۶۱). *أحسن التقاسیم فی معرفة الأقالیم* (ج. ۲، ترجمه علی نقی منزوی). تهران: شرکت مؤلفان.
- مقدسی، مطهر بن طاهر. (۱۳۷۴). *آفرینش و تاریخ* (ترجمه محمدرضا شفیعی کدکنی). تهران: آگه.
- منجم یزدی، ملاجلال‌الدین محمد. (۱۳۶۶). *تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال: شامل وقایع دربار شاه عباس صفوی* (به کوشش سیف‌الله

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

عبداللهی، علی؛ جلائیان قانع، نوید؛ مؤدی، آرمین و آئینی، سجاد. (۱۳۹۹). بررسی شکلی-تاریخی هسته اولیه کالبد معماری حرم مطهر رضوی، با تکیه بر اسناد روایی و در تطابق با طرح‌مایه‌های معماری کاخ‌های ساسانی و صدر اسلام. *باغ نظر*، ۱۷(۹۲)، ۵-۲۲.

DOI: 10.22034/BAGH.2020.214972.4418

URL : http://www.bagh-sj.com/article_123114.html

